



۲۰۱۴/۰۶/۱۶



محمد علی "سمیع"

## عبدالله عبدالله و گردن کشی در برابر رأی ملت!

یکبار دیگر فضای سیاسی افغانستان تیره شد. این تیرگی از آنجا آغاز شد که عبدالله عبدالله راه گردن کشی سیاسی را در برابر خواست و آرزوی مردم افغانستان که رأی خود را به اشرف غنی تخصیص داده اند، به پیش گرفت و آمادگی برای قبول باخت خود را نشان نداد. به همین خاطر، همین که باخت خود را احساس کرد، بدون صبر و شکیبایی به انتقاد از این و آن پرداخت و از قبول نتیجه ای که تا حال معلوم هم نیست، گردن کشید که این کار او باعث تشویش بیش از حد برای مردم شریف و نجیب کشور عزیز ما افغانستان شده است. حال چون همه مردم برای آینده انتخابات تشویش دارند، لازم میدانیم تا اندک به این موضوع غور نمائیم و با تحلیل ها و پیشبینی های عینی و اکادمیک خود، دورنمای دقیقتر را برای مردم منظر سازیم و از بلند گرفتن تشویش ایشان جلوگیری نمائیم. بنا بر همین ملحوظ در این مقاله همین موضوع را مورد مطالعه قرار میدهیم و در مورد موضعگیری های گردن کشانۀ داکتر عبدالله عبدالله و پیامد های آن میپردازیم، ضمناً کوشش مینمائیم تا راه حل درست را برای حل این وضعیت کشمکش بار در یابیم و برای تیم اصلاحات و همگرایی پیشنهاد نمائیم.

اگر چه نتایج ابتدائی تا حال بدست نیست، اما بیانیۀ عبدالله عبدالله، نشان دهنده آنست که هراس باخت بر پیکر تیم اصلاحات و همگرایی حکمفرما شده است و پی برده اند که باخت حتمی در کمین ایشان قرار دارد. همین موضوع باعث شده است تا عبدالله عبدالله "آب را نادیده موزه از پا کشیدن" را مصلحت قرار داده به گردن کشی در برابر تصمیم ملت برآید.

اگر چه عبدالله عبدالله در سال ۲۰۰۹ و در دور اول انتخابات ۲۰۱۴ هم آمادۀ قبول نتیجه نبود که بعد از یک سلسله دید و بازدید ها و معامله ها، تغییر جهت کلی را اختیار نمود و نتیجه را قبول کرد، اما این بار قضیه خیلی متفاوت از گذشته میباشد، به همین دلیل باید به تحلیل سخنان عبدالله عبدالله پرداخت تا ببینیم چه آیندۀ درانتظار او میباشد؟ که ذیلاً به ادامه آن میپردازیم:

عبدالله عبدالله، میگوید "وظیفۀ ضیاءالحق امرخیل باید به تعلیق در آید. اگر نتایج با نفوس و شرایط امنیتی مطابقت نداشته باشد، پس برای ما قابل قبول نمی باشد. هیچ نوع اعتماد در این راستا باقی نمانده است دیگر که ما به حرف و وعده کسی اعتبار کنیم، من شخصاً با معاونین محترم رفتیم خدمت رئیس جمهور افغانستان و هیچ وقتی از آنها تقاضا نکردیم که شما از ما حمایت کنید از هیچ ارگان حکومتی ما تقاضا نکردیم که شما از ما حمایت کنید".



اول تر از همه باید گفت که موضوعی امرخیل نباید توسط عبدالله عبدالله یاد آوری میشد، زیرا برای رهبری همچو عبدالله، زبینه نیست تا خود را با رئیس دارالانشای کمیسیون انتخابات در یک سطح قرار دهد و این کار از نظر دیپلوماسی مردمی کار نا موزون شمرده میشود. دیگر اینکه ویدیو های بعدی و تحقیقات پیشرفته نشان میدهند که

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

امرخیل در تقلب دست نداشته، بلکه اوراق را به مناطقی که با کمبود اوراق روبرو بود، انتقال میدادند و از اثر همکاری نکردن پولیس، بدون پوشش امنیتی به راه افتاده بودند و قوماندان امنیه کابل هم شواهد عینی را که از نظر جنائی قابل قبول باشد، در دست ندارد. به همین خاطر قوماندان امنیه کابل، آماده متجاوب شدن به سؤال های خبر نگاران هم تا حال نشده است که این موضوع در جلسه 26 جوزای کمیسیون انتخابات به طور واضح معلوم شد. بناءً گفته میتوانیم که عبدالله عبدالله با این کار خود بهانه بی بنیاد را برای گردن کشی در برابر نتایج انتخابات به پیش گرفته است، اما آیا این کار جایی را میگیرد؟

در قدم دوم به همه معلوم است که عبدالله عبدالله، صراحتاً به مناطق پشتون نشین اشاره میکند، زیرا ایشان انتظار نداشتند که در روز انتخابات طالبان آتش بس میکنند و مردم را اجازه میدهند تا به پروسه انتخابات شرکت کنند که این موضوع بعد از نشر اعلامیه های طالبان در بعضی از ولایات در 23 جوزا رخ داد. (در مورد اشتراک مردم، مخصوصاً ساحات پشتون نشین به شکل تفصیلی در مقاله های بعدی میپردازیم).

**بناءً! درد عبدالله عبدالله قابل درک است، زیرا انسان ها در برابر هر پدیده اجنبی عکس العمل ناخود آگاهی را از خود نشان میدهند و همین موضوع در بیانیه ایشان دیده میشود، اما این را باید متوجه باشد که ترمرد و گردن کشی در برابر رأی و آرمان ملت کار خیلی کوچکی میباشد که رهبران سیاسی باید از چنین اقدامات بطور جدی خود داری نمایند. دیگر اینکه از هیچ ولایت رأی بیشتر از نفوسش نمی آید، زیرا از هر مرکز، به همان اندازه رأی (استفاده شده یا سفید) بر میگردد که از قبل تخمین شده است و همچنان باید گفت که عقل انسان این حکم را نمی پذیرد که رأی ملتی را با دمدمی مزاجی و گردن کشی ها قربان بازی های سیاسی کرد، آرایی که مردم در مناطق نا امن، جان خود را به کف گرفته در پروسه انتخابات اشتراک ورزیده.**

در کل عبدالله عبدالله چنان وانمود ساخت که او آرای مناطق پشتون نشین و ازبک نشین را که بر اساس گزارشات غیر دقیق، 80 یا 90 فیصد به اشرف غنی از طرف مردم تخصیص یافته است، را تقلب میخواند که اینکار باعث دلگرفته گی ملی در برابر او خواهد شد. شایان ذکر است که در مورد رأی و تصمیم پشتون ها در مقاله ای به اثبات رسانیده ایم که پشتون ها اگر رأی دهند پس آنرا به جنگسالاران نمی دهند، بلکه به کسی رأی میدهند که از علم و عقل کافی برخوردار باشد تا بتواند جواب برای پشتونوالی که در اصل یک علم اجتماعی میباشد ارائه کند که تفصیل آن در لینک ذیل قرار دارد:

### [بینتون ها در مبارزه واقعی علیه جنگ](#)

در قدم سوم باید گفت، نام بردن از رئیس جمهور در این مقطع زمان یک مقدار سؤال بر انگیز است، شاید هم میخواهد چهره هایی که وابستگی خاص با حامد کرزی دارند و به گمان اغلب به امر ارگ با او یکجا شده اند، را از دست ندهد که به همین ملحوظ، مورد بی طرفی و طرف بودن حامد کرزی میگوید "آن کار مردم هست که در موردش فیصله کنند" و به همین شکل از موضعگیری در برابر حامد کرزی خود داری مینماید.

متعاقباً به زبان اندک جنگ طلبانه میگوید "اگر کشور را به بی ثباتی میبرند کار ایشان هست، ما از حق و رأی مردم دفاع میکنیم"، اما این موضوع هم گنگ باقی می ماند، زیرا به تفصیلش نمی پردازد و معلوم نشد که او به دفاع از آرای کدام گوشه از کشور برخاسته است؟ گزینه های نشان میدهند که ایشان در ولایات پشتون نشین و ازبک نشین رأی بینهایت کم آورده اند و همچنان روشن نمی سازد که او در برابر کی قرار دارد؟ بالای کمیسیون که تا حال شواهد و دلایل عینی بدست نیاورده است و با رئیس جمهور کرزی و تیم ارگ هم در دور دوم انتخابات یکجا شده است و تا حال هم در یک صف قرار دارند و این را هم نمی گوید که اشرف غنی تقلب کرده است زیرا به آن اندازه اسناد ارائه نمی تواند که اشرف غنی را ناکام سازند و میگوید که ناظرانشرا نگذاشته تا نظارت کنند که این هم موضع خیلی ضعیف و دلیل ناموجه ای است.

پس سؤال اساسی اینست که عبدالله عبدالله با کی مواجه است و در برابر کی گردن کشی دارد؟ در جواب باید گفت که بیانیه عبدالله عبدالله باعث مسأله ذیل میتواند شود و راه حل آن هم به دست عبدالله عبدالله میباشد:

عبدالله عبدالله با این کار، در مخالفت با بیانیه روز انتخابات خود قرار گرفت، زیرا در آنجا خود را برنده و در اینجا خود را بازنده ثابت میکند. متعاقباً باید گفت، روز انتخابات تغییر بزرگ را در پی داشت و اشتراک مردم در

مناطق شرق، جنوب و شمال افغانستان به مراتب بیشتر از دور اول بود که خلاف انتظار تیم اصلاحات و همگرایی قرار گرفت و باعث شد تا نتایج، خیلی متفاوت تر از گذشته آید. بناءً باید گفت: عبدالله عبدالله با این آغاز، خود را با اشرف غنی و کمیسیون مواجه نکرده است، بل با تمام پشتون ها، ازبک ها، هزاره ها و تاجک ها مخصوصاً با پشتون ها و ازبک ها که تقریباً تمامی رأی خود را به اشرف غنی تخصیص داده اند، مواجه کرده است. معلوم میشود، عبدالله عبدالله دارای مشاورین خیلی نادرست و اندک فهم میباشد که مشوره های ایشان بجز ناکامی چیزی دیگری را به ارمغان آورده نمی تواند و یا هم طور ستراتیژیک میخواهند که او را از صحنه سیاسی کنار زنند و به همین خاطر در دور و پیشش قرار گرفته اند زیرا عبدالله عبدالله، با این گردن کشی، عملاً با ملت دست و گریبان شده است و این کار باعث در انزوا رفتن دائمی وی از صحنه سیاسی شده میتواند. نظر به گفته وطنی، عبدالله عبدالله "نزد گرگ رفته میگوید که بیا قرص بابۀ ات را بگیر"، یعنی برای متوجه ساختن مردم که او به آرای ایشان احترام قایل نیست، تنها مخالفین سیاسی اش و یک تلویزیون افغانی کفایت که ملت را در برابرش قرار دهند و بس!

بناءً گوشزد باید کرد که اینچنین گردن کشی ها، عبدالله عبدالله را با ملت مواجه میسازد، ستراتیژی "حریف من تنها تقلب است"، آخر به جای کشیده است که باعث ناکامی تأریخی وی شده میتواند. با اطمینان کامل باید گفت که بعد از همین بیانیه، تمام دوستان و همکارانی که با او در دور اول و دوم یکجا شده بودند، پا به فرار میگذارند، حتی معاونین وی هم نمی توانند در این راستا با وی همکاری باشند و از موضع وی دفاع کنند، زیرا مسیری او جنگ طلبانه است و جنگ را هیچکس به گردن گرفته نمی تواند، مخصوصاً پشتون ها و هزاره هایی که در تیم او قرار دارند. در اخیر شاید داکتر عبدالله عبدالله در "غندی نا امن و بی دفاع" تنها باقی ماند و خیر.

در آخر باید گفت که "آغاز ضعیف باعث شکست قوی میشود"، حال عبدالله عبدالله در عمل انجام شده قرار گرفته است، اگر از تیز هوشی کار گیرد و همچو گذشته ها به عقب نشینی ستراتیژیک بپردازد و خود را آماده قبول نتیجه نهائی سازد، پس کار نیکی کرده است و به همین طور میتواند زمینه برای اشتراک در انتخابات بعدی را به خود آماده سازد، و اگر نه انجام این آغاز برایش خیلی قیمت تمام خواهد شد که جبران آن نا ممکن به نظر میرسد.

به عنوان اختتامیه باید گفت که با در نظر داشت دلایل فوق، بازنده اصلی از هر سو عبدالله عبدالله میباشد نه ملت و نه هم کشور، بناءً نباید هراس کشمکش بار شدن وضعیت را در دل داشت. داکتر عبدالله عبدالله، این گردن کشی ها را از برای معامله و تفاهم برای بدست آوردن سهم در حکومت آینده، همچو ادوار گذشته به راه انداخته است نه برای چیزی دیگر، اما اینرا هم باید دانست که این بار با اشرف غنی مقابل میباشد نه با کرزی و اشرف غنی از آغاز تا حال، به هیچ معامله ای لیبیک نگفته است و نخواهد هم گفت، معامله ها با اشتراک در دور دوم، اهمیت خود را از دست داد و حال رأی مردم سرنوشت اساسی را تعیین میکند، بهتر است تا همه به یک صدا به آن لیبیک گفته از دل و جان قبولش کنیم تا فردا در میان مردم خود از قدر و عزت، برخوردار باشیم.

پایان